

بحران اشتغال

دومین دوره ی آزمون استخدامی ادواری روز جمعه ۱۱ اردیبهشت با شرکت هزاران نفر از فارغ تحصیلان دانشگاه های ایران برگزار می شود. نتیجه ی چنین آزمون که در راستای سیاست های فریبکارانه ی نظام در ادعای قانونمداری و شایسته سالاری صورت می گیرد هیچ تأثیری در استخدام شرکت کنندگان ندارد. در سیستم فاسد اداری ایران ضابطه بی ارزش است و تنها آنانی که از رابطه بهره دارند می توانند وارد مشاغل دولتی شوند. نکته ی مضحک آزمون ادواری این است که سوالاتی که مطرح می شود ملغمه ای از تست های هوش، اطلاعات عمومی و میانی اعتقادی است که هیچ ارتباط منطقی با رشته ی تحصیلی داوطلبان ندارد. گویی مزیت برگزاری چنین آزمونی جدا از مبلغ هنگفتی که سرازیر جیب دولت می کند تنها استفاده های تبلیغاتی به نفع رژیم است که با بالا گرفتن بحران کار در کشور و طبعاً افزایش نارضایتی توده ها به دنبال حفظ حیات خویش است.

در وضعیت حاضر دیگر حتی داشتن تخصص و تحصیلات عالی هم در تغییر شرایط اسفباری که اکثریت را به زیر خط فقر سوق می دهد تأثیری ندارد. علاوه بر نیروی کار تازه نفسی که هر سال وارد بازار می شوند، به طور مداوم ارتشی از بیکارشدگان به جمعیت متقاضی کار افزوده می شود چرا که

اصلاح قانون کار برخلاف ادعای سرمایه داران نه تنها به فراهم آوردن فرصت های شغلی کمی نکرده است بلکه خود بر بحران افزوده است.

خصوصی سازی و رواج سیستم قراردادی استخدام، دست کارفرما را در بهره کشی از کارگر آزادتر گذاشته، اخراج و بیکارسازی را کاملاً قانونی می کند. سرمایه داری بی آن که حیات طبقات فرودست برایش اهمیتی داشته باشد بر بحران ها می افزاید و تا زمانی که از ناحیه ی توده ها احساس خطر نکند از رشد فزاینده ی بیکاران در جهت کسب سود بیش تر استفاده می کند. این نظام با اطمینان از وجود زنان و مردانی که برای نجات از گرسنگی در برابر ناچیزترین دستمزدها حاضر به کار در بدترین شرایط هستند، از تأمین حقوق اولیه ی نیروی کار چون خدمات اجتماعی و امنیت شغلی سرباز می زند. در دایره ی بسته ای که نظام سرمایه به دور آن می چرخد افزایش قیمت ها از قدرت خرید جامعه می کاهد و اضافه تولید را سبب می شود و رقابت برای فروش کالای مازاد خود بر بیکارسازی دامن می زند به این ترتیب زنجیروار بحران ها از پی هم بر سر طبقات فرودست نازل می شود.

اما برای مبارزه با دنیایی که در آن تقسیم ناعادلانه ی ثروت ریشه ی اصلی فقر توده ها و محرومیت آنان از حداقل زندگی است چه باید کرد؟ مسلم است که حل مسأله ای که جهان ما را چنین آشفته ساخته نیازمند راه کاری اساسی است. همان طوری که با هرس علف هایی که در میان باغچه ای از گل ریشه داده اند نمی توان طراوت گل ها را باز گرداند، با توسل به آن چه خود عامل بحران است و زانده های وابسته به آن نمی توان بر بحران فائق آمد. تا آن هنگام که نظام سرمایه داری بر اجتماعات بشری حاکم است میلیون ها انسان در سراسر دنیا با گرسنگی دست به گریبانند.

رژیم جنایتکار آخوندی سال هاست با وعده های پوچ خود سعی کرده است از نارضایتی کارگران و زحمتکشان بکاهد و زمانی هم که از فریب آنان نتیجه نگرفته است با وحشیانه ترین شیوه ها به سرکوب مخالفین دست زده است. پراکندگی نیروهای انقلابی و نبود یک تشکل مستقل کارگری که در آن با انسجام دادن به کارگران در اتحاد با سایر طبقات تحت ستم بتوان برای مقاومت در برابر فشار فزاینده ی سرمایه صف آراییی کرد، یکی از بزرگ ترین علل مصیبت هایی است که نیروی کار با آن رو به رو است.

امروز سوسیالیست های انقلابی، کارگر- روشنفکر و پیشروی کارگری تنها با تأسیس حزب پیشتاز انقلابی است که می توانند با اتحاد عمل برای دستیابی به خواست های حداقل طبقه ی کارگر به بهبود وضعیت آنان کمک کنند و هدف عالی و انکارناپذیر سرنگونی نظام سرمایه داری و دیکتاتوری پرولتاریا را به سرانجام برسانند. وظیفه ای که در آستانه ی اول ماه مه، روز جهانی کارگر، پیش از هر زمان ضرورتش آشکار است.

رُزا جوان

نوزده اسفند هشتاد دو

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری